

بررسی عناصر قصه در مثنوی گل و نوروز خواجوی کرمانی

صاحبه واحدی پیرکوهی *، 80،

97-6-17

چکیده قصه از انواع ابتدایی ادبیات داستانی است؛ از همینرو عناصر آن از انسجام و کمالی که در دیگر انواع ادبیات داستانی وجود دارد، برخوردار نیست و همین نکته آنرا از دیگر انواع ادب داستانی متمایز میکند. ولادیمیر پراپ معتقد است که قصه‌های تمام فرهنگها و تمدنها دارای عناصری مشترک و یکسان هستند. این پژوهش با هدف تبیین مهارتهای خواجوی کرمانی در قصه‌پردازی و همچنین نشان دادن جایگاه قصه در مثنویهای بزمی و رزمی به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که خواجوی کرمانی در منظومه‌ی خود، از مواردی چون خرق عادت، پیرنگ ضعیف، کلیگویی، راوی دانای کل و نظایر آن بهره برده است. شخصیتها براساس نظریه‌ی پراپ است. از اینرو میتوان منظومه‌ی گل و نوروز را از انواع قصه‌های پریان قرار داد. در این اثر بر عنصر خرق عادت بیشتر از سایر ویژگیهای قصه تأکید شده است. از میان شخصیتهای مختلف قصه، براساس نظریه‌ی پراپ، چهار دسته شخصیت قهرمان اصلی، یاریدهنده، شریر و مورد جستوجو در قصه حضور دارند. از میان خویشکاریهای مطرح شده‌ی پراپ، نوزده نوع در این اثر مشاهده شده است. واژه‌های کلیدی: ادبیات داستانی، قصه، خویشکاری پراپ، خواجوی کرمانی، گل و نوروز.

کلمات کلیدی : ادبیات داستانی، قصه، خویشکاری پراپ، خواجوی کرمانی، گل و نوروز.

[Islamic Azad University, Rasht Branch - Thesis Database](#)

[دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت - سامانه بانک اطلاعات پایان نامه ها](#)